



جنبش دانشجویی ایران و

ضرورت تلاش برای ایجاد شکل های مستقل دانشجویی !

غار تگرانه سیستم سرمایه داری وابسته حاکم ، از آنجا که می دانست دانشگاه ها در دوره شاه، سنگر انقلاب بوده اند و پس از قیام بهمن نیز به مرکز تجمع مبارزین و انقلابیون تبدیل شده اند، درهای دانشگاه ها را بلافاصله بست تا بدینوسیله بتواند شرایط " مطلوبش " را برای سرکوب جو مبارزاتی در درون دانشگاه ها بوجود بیاورد. در دوران سیاهی که با اخراج استادان و دانشجویان مبارز و کمونیست شروع شد، به جای استادان دیگر اندیش و معترض، مزدوران وابسته به رژیم در دانشگاه ها مستقر شدند. "امتحان ایدئولوژیک" را برای از صافی رد کردن دانشجویان به آنها تحمیل کردند و دانشجویان را مورد تصفیه قرار دادند تا فضای نکبت بار و شوم خود را با خیال واهی یک دست کردن دانشجویان در دانشگاه ها، آماده کنند.

صفحه ۲

با فرا رسیدن مهر ماه، در شرایطی شاهد آغاز سال تحصیلی جدید هستیم که در سال گذشته دانشجویان مبارز و متعهد، پیمان خود را برای مبارزه با نظام دیکتاتوری حاکم تجدید کردند. سال گذشته سالی بود که عکس احمدی نژاد جنایتکار در مقابل چشمانش به آتش کشیده شد و دانشجویان وی را با شعار مرگ بر دیکتاتور مجبور به ترک محیط دانشگاه نمودند. سالی که جنبش دانشجویی حقیقتاً زخم هایی را بر پیکر فرسوده این جانیان وارد کرد. بر این اساس، اکنون رژیم به خیال واهی خویش برای این که بتواند امسال رابه سال سکوت و عقب نشینی تبدیل کند این چنین گستاخانه فرزندان مبارز خلق یعنی دانشجویان آگاه و رزمنده را دستگیر و در سیاه چال های خود مورد شکنجه قرار داده است .

از این زاویه، آغاز سال تحصیلی امسال، یاد آور همان نخستین سالهای به قدرت رسیدن حکومت خفقان آور جمهوری اسلامی است. در آن سالهای سیاه، رژیم برای خاموش کردن شعله های انقلاب مردم ایران، برای عقب نشاندن توده ها و باز پس گیری دستاوردهای مبارزاتی شان و جلوگیری از تداوم مبارزه آنها بر علیه نظام

به خاک و خون کشیدن کارگران به خاطر مطالبات صنفی!

روز سه شنبه سوم مهر حرکت اعتراضی ۱۵۰ تن از کارگران کارخانه کاغذ سازی "کارون شوستر" که در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه خود و برای براه انداختن مجدد کارخانه در مقابل استانداری خوزستان در اهواز دست به تجمع اعتراضی زده بودند با دخالت مزدوران انتظامی - امنیتی رژیم و ضرب و شتم کارگران معترض پایان یافت. مزدوران رژیم ، این پاسداران سرمایه، با گاز اشک آور و بانوم به کارگران جان به لب رسیده ای که صرفاً خواهان گفتگو با استاندار و بیان گوشه ای از دردهایشان بودند، یورش برده و ضمن ضرب و جرح قرار دادن آنها، جمعی را شدیداً و بطور وحشیانه ای زخمی نمودند.

کارگران کارخانه فوق در حالی این اعتراض را سازماندهی کرده بودند که هفت ماه است هیچ حقوقی دریافت نکرده و به خاطر فقر شدید حتی توان فرستادن فرزندان خود به مدرسه را نیز ندارند. در همین رابطه گفته می شود که ۱۱ تن از کارگران دچار بیماریهای روحی، روانی شده و در آسایشگاه روانی بستری شده اند. این در حالی است که بعضی دیگر به خاطر فقر اقتصادی و بروز مشکلات خانوادگی کارشان به طلاق کشیده شده است. نیروهای امنیتی رژیم و لباس شخصی ها، این مزدوران پاسدار منافع نظام سرمایه داری وابسته که خود را از قبل برای مقابله با این حرکت آرام کارگران، که جز فقر و طرح مشکلات اقتصادی خود گناه دیگری نداشتند، آماده کرده بودند، حتی مانع حضور خبرنگاران در محل شدند تا بتوانند با خیال راحت نقشه های جنایتکارانه خود را اجرا کنند. در پایان پنج تن از کارگرانی که در حین یورش مزدوران شدیداً مصدوم شده بودند، توسط سایر همکاران خود به بیمارستان منتقل شدند.

نقشه حمله به عراق، قبل از ۱۱ سپتامبر کشیده شده بود!

جرج تنت ، رییس سازمان سیا در اولین دوره ریاست جمهوری جرج بوش، در کتابی که اخیراً منتشر نموده بار دیگر تاکید نموده که دولت بوش نقشه حمله به عراق را از قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر کشیده بود. وی در مصاحبه ای با روزنامه "تایم" که در ارتباط با کتاب جدید خویش به نام "در کانون بحران و طوفان" صورت گرفت از جنگ با عراق به عنوان " یک جنگ نامشروع " با "پرونده سازی جعلی و عمومی" نام برد. جرج تنت در پاسخ به این سوال که "زمان واقعی تصمیم آمریکا برای جنگ با عراق" چه زمانی بود پاسخ داد: "گرچه نمی توانم به این سوال پاسخ دقیق بدهم، اما می توانم این را بگویم که تصمیم حمله به عراق قبل از ۱۱ سپتامبر گرفته شده بود".

اظهارات اخیر رییس سابق سیا در زمان زمامداری بوش، در مورد تصمیم دولت آمریکا به راه انداختن جنگ با عراق قبل از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ، نمونه دیگری از فریبکاری تبلیغات دولت آمریکا در مورد انگیزه ها و دلایل جنگ با عراق را نشان داده و از آن مهمتر گوشه کوچکی از منافع و برکات بسیار عظیم و دورانساز فاجعه تروریستی ۱۱ سپتامبر برای دولتمردان آمریکا را به نمایش می گذارد. این اعترافات همچنین سند دیگری از رسوایی تمامی مرتجعین و نیروهای سیاسی گوناگونی را عرضه می کند که با تأیید مستقیم و غیر مستقیم ادعاهای دروغین دولت بوش در "مبارزه" و "جنگ با تروریسم"، برای ماشین جنگی آمریکا در منطقه و در سطح بین المللی جاده صاف کردند.



امسال درهای دانشگاهها در حالی گشوده میشوند که تعداد بیشماری از دانشجویان آزادیخواه در اسارت گاه های رژیم، تحت شکنجه های وحشیانه قرار دارند و صدها تن از دانشجویان به جرم آزاد اندیشی برای همیشه از تحصیل محروم و به دانشگاه ها ممنوع ورود شده اند. با وجود شرایط سانسور و خفقان حاکم و با وجود تهدید هایی که رژیم بر خانواده های دانشجویان اعمال میکند ، اخبار منتشره از ددمنشی های غیر قابل وصف این مزدوران در برخورد با فرزندان این آب و خاک حکایت می کند. در پاره ای از این گزارش ها گوشه هایی از شکنجه هائی که به دانشجویان دستگیر شده اعمال شده به شرح زیر نقل گردیده است: **محرومیت غذایی و بی خوابی برای مدت طولانی ، حبس مبارزین در سلول هایی با فضایی که آنقدر کوچک هستند که زندانی امکان تکان خوردن را هم نمی یابد، اجبار بر ایستادن بر روی یک پا برای مدت زمان طولانی و هم سلول کردن دانشجویان با زندانیان خطرناک غیر سیاسی ،مشت و لگد زدن بر سر و صورت دانشجویان که در مواردی باعث انتقال زندانیان به بهداری بند ۲۰۹ اوین شده است...**

خبر های تکان دهنده ای مبنی بر این که چگونه مزدوران نظام سرمایه داری حاکم ، در مسلخ گاه اوین ، دانشجویان را مورد آزار جنسی قرار میدهند نیز درج شده است. **مزدوران رژیم دانشجویان را بر زمین خوابانده آنها را مورد آزار و اذیت جنسی قرار داده اند که صدای ناله**

و ضجه آنها به گوش زندانیان سیاسی دیگر رسیده که خود این مسئله باعث اقدام به خود کشی برخی از دانشجویان گشته است.

روشن است که هدف اصلی رژیم در ارتکاب به این جنایات خرد کردن روحیه مقاومت و مبارزه در دانشجویان و بر حذر کردن آنها از مبارزه می باشد. تلاش برای گرفتن اعترافات موهوم از دانشجویان در زیر فشار های شدید روحی و جسمی درست در این راستا می باشد. رژیم از رشد گرایش به اعتراض و مبارزه و تلاش برای شکل دادن به تشکل های مبارزاتی در میان دانشجویان در هراس است. به همین دلیل به هر وسیله ای متوسل می شود تا از تشکل یابی مبارزات مستقل دانشجویی جلوگیری کند، به همین دلیل دیکتاتوری حاکم با توسل به شیوه های سرکوبگرانه تلاش میکند که شکل گیری این تشکلات را در نطفه نابود سازد زیرا به خوبی میدانند که دانشجویان با تشکل یابی انقلابی و طرد ارگانهای دست ساز دولتی از دانشگاه ها است که میتوانند مبارزات خود را در جهت نابودی نظام مرتجعانه حاکم به پیش ببرند. نکته کاملاً چشمگیری که امروز در مبارزات دانشجویی شاهد آن هستیم همانا مبارزه دانشجویان برای ایجاد تشکل های مستقل خود می باشد. آنها می کوشند تا با ایجاد تشکل های دانشجویی مستقل از نهاد های وابسته به رژیم و با سازماندهی خود، شیوه های هر چه موثرتری را برای مقابله با پلیس سیاسی رژیم پیدا کرده و به این وسیله ضربه پذیری خود را کاهش دهند.

در واقعیت، برای مقابله با دشمنی که به طور کاملاً سازمان یافته دست به سرکوب می زند، باید متشکل و سازمان یافته حرکت کرده و بر نقطه ضعف مبارزات جاری دانشجویی فائق آمد.

مبارزاتی که علیرغم تمام فدا کاریها و مشقاتی که دانشجویان مبارز متحمل شده اند به دلیل فقدان سازماندهی و رهبری انقلابی نتوانسته نیروهای مبارز اما پراکنده در این جنبش را در زیر یک پرچم و با برنامه ای رادیکال متشکل کند. همین تلاشی که دشمن برای رد یابی و از بین بردن تشکلات انقلابی دارد خود بهترین دلیل بر ضرورت ایجاد تشکل های انقلابی در جهت تداوم و پیشبرد امر مبارزه میباشد.

درس گیری از تجربیات چند سال اخیر نشان میدهد که جدا از جنگ های زرگری فی مابین جناح های درونی رژیم که عمدتاً بر سر تقسیم قدرت در بین سردمداران این رژیم صورت میگیرد ، این مزدوران برسر یک اصل همواره متفق القول می باشند و آنهم حفظ کلیت این رژیم در مقابل توده های رنج دیده ایران می باشد. چرا که برای همه آنها حفظ مناسبات غارتگرانه سرمایه داری حاکم حرف اول را میزند. به همین دلیل هست که مهم نیست که کدام جناح در قدرت باشد ، هر گاه که بقای این رژیم مورد تعرض توده ها قرار بگیرد تمام این جانیان دست در دست هم در سرکوب توده ها لحظه ای درنگ نخواهند کرد.

در مقابل، تداوم مبارزات دانشجویان در اعتراضات آنها بر علیه سرکوب های وحشیانه رژیم در دستگیری باران در بندشان ، در همراهیشان با خانواده های بازماندگان زندانیان سیاسی دهه ۶۰ در خاوران، در حمایت از مبارزات زنان و پیوند مبارزاتی اشان با مبارزات کارگران و زحمتکشان نشان عزم آهنین خلقی است که در طول حاکمیت این رژیم با همه فراز نشیب هایی که پیموده هرگز در مقابل زورگویان سکوت نکرده و زبونی رژیم را در برابر مبارزات خود بار ها بر ملا کرده است.

جمهوری اسلامی: رتبه سوم در خودکشی زنان

تحت حاکمیت ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی، آمار خودکشی در ایران هر روز در حال افزایش است و در میان قربانیان این پدیده، شمار روز افزون زنانی که اقدام به خودکشی می کنند، چشمگیر است. به گزارش خبرگزاریها بر اساس یک آمار گیری جدید، جمهوری اسلامی بعد از چین و هند مقام سوم را در خودکشی زنان به خود اختصاص داده است. معمولاً آمارهای دولتی در این زمینه شدیداً با واقعیت فاصله دارد به خصوص که خودکشی از معضلاتی است که خیلی ها حاضر به گزارش آن نیستند. اما بر اساس آمار ها و گزارشات

دولتی که در ایران انتشار می یابد خودکشی در بین جوانان و دانشجویان و بخصوص دختران رو به افزایش گذاشته است. نتایج تحقیقی که در سال ۱۳۸۳ در بین ۴۵۰ هزار دانشجو انجام گرفته، بیانگر این واقعیت است که ۱۰ درصد از پسران و ۷ درصد از دختران انگیزه خودکشی از خود بروز داده اند. بر اساس گزارشات منتشر شده در مطبوعات رژیم یکی از شایع ترین روش های خودکشی در بین زنان خود سوزی می باشد.

خودکشی یک پدیده اجتماعی و از معضلات جامعه کنونی است. عوامل متعددی انسانها را به سوی خود

شرایطی که بیکاری و حقوق های پرداخت نشده به معضل بزرگ مردم رنج دیده تبدیل شده است و به همین دلیل بخش بزرگی از مردم امکان پاسخ گویی به نیاز های خانواده خود را ندارند فساد و دزدی و خودکشی بطور طبیعی بطور روز افزونی گسترش میابد . در چنین چهار چوبی، اگر قوانین بنسدت مردسالارانه و زن ستیز و ضد خلقی جمهوری اسلامی را نیز در نظر بگیریم، آنگاه دلایل رشد خودکشی در ایران بویژه در میان زنان، هرچه بیشتر خود را عیان می سازد. این واقعیت بار دیگر دگرگونی کل مناسبات ظالمانه موجود جهت خلاصی از این معضلات اجتماعی را در مقابل جامعه قرار داده و ضرورت این تغییر را فریاد می زند.

کشی سوق میدهد اما بر مبنای گزارشات تخصصی که در این زمینه تلاش کرده اند اختلافات خانوادگی و ابتلا به افسردگی از مهمترین عوامل مبادرت به خودکشی در ایران هستند. بررسی همین دو مورد نشان می دهد که مشکلات اقتصادی ، یعنی ناتوانی در تامین معیشت خود و خانواده و ترس و نگرانی از یک آینده نامعلوم که بیشتر از وحشت اخراج و از دست دادن شغل و بیکاری و فقر و فلاکت ناشی می شود از عوامل اصلی افسردگی و اختلافات خانوادگی می باشند .

وقتی که بر اساس برخی از گزارشات خود دست اندرکاران دولتی ۷۰ درصد افراد جامعه در زیر خط فقریسه برده و از نبود آینده ای روشن در رنج اند، در



حدود ۳۰ هزار دانش آموز معنادار در سیستم آموزش و پرورش وجود دارد!

شرایطی ست که ما می بینیم امروز چگونه وجود چشمگیر معنادان و قاچاقچیان مواد مخدر که درست در زیر چشم ماموران مزدور رژیم به مصرف و خرید و فروش مواد مخدر مشغولند، در تمامی شهر های بزرگ و کوچک و حتی روستاها به یک پدیده غم انگیز و نفرت بار تبدیل شده است. اعتراف به وجود ۳۰ هزار دانش آموز معنادار آن هم در "سیستم آموزش و پرورش" جمهوری اسلامی از تبعات فاجعه بار چنین سیستم و نظامی ست. با توجه به چنین واقعیتی ست که هر گاه ما به درستی و به روشنی به پدیده گسترش یابنده اعتیاد در جمهوری اسلامی بنگریم، در می یابیم که بر افکندن این بلای اجتماعی و برون رفت از گنداب کنونی جز از طریق سرنگونی نظام حاکم و برپائی یک سیستم سالم، جامعه سالم ودمکراتیکی که بیانگر منافع کارگران و زحمتکشان و توده های محروم ما باشد، ممکن نیست.

محمد رضا جهانی، "جانشین دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری"، در طی مصاحبه ای با "سایت پلیس" به وجود "حدود ۳۰ هزار دانش آموز معنادار در سیستم آموزش و پرورش" جمهوری اسلامی اعتراف نمود. وی همچنین به کاهش سن اعتیاد در میان دانش آموزان کشور به میزان بیش از ۳۰ درصد اشاره کرد و گفت: "در آموزش و پرورش چالش جدی برای اعتیاد وجود دارد و آن کاهش ۳ و یک دهم میانگین سن اعتیاد در سال است".

بدون شک خبر وحشتناک فوق نمی تواند قلب هیچ انسان شریف و آزادیخواهی را به درد نیآورد. اما رشد سرطانی پدیده اعتیاد در جامعه ما بویژه در میان جوانان و نوجوانان تحت رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و سیاستهای ضد خلقی آن، یکبار دیگر پرده از آن شرایط وحشتناک اقتصادی- اجتماعی ای بر می دارد که نظام سرمایه داری وابسته و حکومت محافظ آن برای توده های تحت ستم ما به ارمغان آورده است.

از صفحه ۲

نکاتی در باره اعتصاب ...

از سوی دیگر در جریان اعتصاب کارگران زحمتکش و قهرمان نیشکر هفت تپه، ما جلوه های برجسته مقاومت و پایداری آنان در پیگیری خواستههایشان و همچنین حمایت و اتحاد سایر کارگران زحمتکش ایران را می بینیم. کارگران هفت تپه نه تنها در جریان حرکت خویش توانسته اند بدون توجه به تهدیدات نیروهای امنیتی ضد خلقی رژیم صدای خود را در اقصی نقاط شهر شوش به گوش توده ها برسانند، بلکه موفق شدند تا حمایت کارگران بیکار شده کارخانه "قند دزفول" را نیز کسب کرده و بدین ترتیب شعار "هفت تپه، قند دزفول، پیوندتان مبارک" را به واقعیت تبدیل کنند. کارگران مبارز بعد از جلب حمایت کارگران مبارز "قند دزفول"، از حمایت و پشتیبانی همکاران و رفقای خودشان در کارخانه ایران خودرو نیز برخوردار شدند که برغم خفقان و سرکوب وحشتناک اعمال شده توسط رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی در کارخانه ها و محیط های کار، پیام زیر را برای همقطاران خویش فرستادند:

"دوستان وکارگران زحمتکش نیشکر هفت تپه، درود بر شما و زنده باد مبارزه بر حق تان، صدای حق طلبانه تان را شنیدیم. امنیت شغلی حق مسلم شماست. درخواست حقوق، حق مسلم شماست. ایجاد تشکلهای کارگری حق مسلم کارگران است. هر کس هم حق دارد حق و حقوق خود را طلب کند، هیچکسی حق ندارد کارگران را مورد ضرب و شتم قرار دهد. نه! دوستان کارگر، کارگران برده نیستند که باید بدون دریافت حقوق کار کنند. این حق مسلم شما کارگران است که در مقابل کار مزد دریافت کنید. ما کارگران ایران خود را از اعتصاب شکوهمند شما اعلام پشتیبانی می کنیم و در کنار تان ایستاده ایم ما صدای حق طلبانه شما را به کارگران گوش همه کارگران می رسانیم. درود بر شما کارگران زحمتکش. زنده باد مبارزه کارگران نیشکر کارون. جمعی از کارگران شرکت ایران خودرو."

این نمونه نتیجه پایداری و سخت کوشی کارگران جان به لب رسیده را به طور هر چه بارزتری به نمایش می گذارد.

حرکت دلاورانه هزاران کارگر اعتصابی نیشکر هفت تپه یکبار دیگر گوشه ای از وضعیت فاجعه بار حیات و معاش طبقه کارگر ایران تحت حاکمیت نظام سرمایه داری وابسته و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را در جامعه ما در مقابل همگان منعکس می کند و در همان حال جلوه ای از روحیه مبارزاتی و آگاهی طبقاتی کارگران به جان آمده را نشان می دهد. یکی از کارگران رزمنده نیشکر هفت تپه این موضوع را به گویا ترین وجه بیان نمود: "ما دیگر چیزی نداریم که از دست بدهیم. مهم نیست چه اتفاقی بیافتد، ما باید حق خود را بگیریم"

در ارتباط با مساله اعتیاد و مواد مخدر در جامعه ما تجربه ثابت نموده که مقامات جمهوری اسلامی هنگام ارائه آمار های خوش، هیچگاه تمامی حقیقت را بیان نکرده و از آن مهمتر به عوامل و زمینه هایی که بر بستر آن، پدیده اعتیاد در میان دانش آموزان بسط و گسترش یافته است، و منجمله نقش اساسی نظام حاکم اشاره ای نمی کنند؛ اما برای تمامی توده های رنجیده ای که ۲۹ سال حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی را از سر گذرانده اند، پاسخ به این پرسش که این فاجعه اجتماعی، یعنی وجود میلیونها معنادار در جامعه حاصل کدام شرایط بوده و عامل گسترش روزافزون آن بویژه در میان جوانان و نوجوانان کیست، به هیچ وجه سخت نیست. بواقع در بهشت برینی که نظام سرمایه داری وابسته ایران با مدیریت جمهوری اسلامی برای امیربالیستها و سرمایه داران زالو صفت آفریده، در نظامی که استثمار و چشانه کارگران و خلقهای ستمدیده و غارت منابع ثروتهای طبیعی آن، میلیونها تن از توده های ستمدیده را به مرداب فقر و بیکاری و گرسنگی و فحشاء و بی آسودگی و فقدان هر گونه امنیت اقتصادی و اجتماعی و هزاران معضل خانه خراب کن دیگر فرو برده، رشد بی حد و حصر تمامی امراض اجتماعی و منجمله اعتیاد و گسترش دامنه آن در میان جوانان و نوجوانان، نه یک امر اتفاقی و دور از انتظار، بلکه حاصل طبیعی چنین مناسبات ضد خلقی ای ست.

از سوی دیگر در طول نزدیک به ۲ دهه حاکمیت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی واقعیات بیشمار گوناگون ثابت نموده که چگونه این رژیم جانیکار همچون سلف خویش یعنی رژیم مزدور شاه برای تشدید کنترل و سرکوب جنبش انقلابی توده های تحت ستم، برای منفعل نمودن جوانان مبارز از میدان کار و فعالیت اجتماعی و خانه نشین کردن آنها و برای بازداشتن جوانان از گرویدن به سیاست و مبارزه انقلابی بر علیه نظام منحط کنونی، خود راسا به پخش مواد مخدر با قیمتهای بسیار ارزان و شیوع اعتیاد در جامعه دست می یازد. در چارچوب چنین



نکاتی در باره اعتصاب کارگران قهرمان نیشکر هفت تپه



زور و تهدید به میدان آمده است. رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی با به میدان فرستادن ارگانهای سرکوب و دستگاه مخوف اطلاعات و امنیت خویش به صحنه از روز اول اعتصاب کارگران - که جمعیتی بالغ بر ۷۰۰ تن از کارگران را در بر میگرفت - ضمن سعی در کنترل این اعتصاب داشته و با فیلم برداری و گرفتن عکس ضمن اشاعه جو رعب و وحشت، سعی در شناسایی عناصر اصلی اعتصاب داشته تا در موقع مقتضی با آنها برخورد کند. این واقعیت یکبار دیگر نشان می دهد که در چارچوب نظام سرمایه داری وابسته، جایی که دیکتاتوری عنان گسیخته و عریان، روبنای ذاتی این نظام استثمارگرانه را تشکیل داده، هر گونه اعتراض و حرکت صنفی و متشکل کارگران، حتی اگر برای تحقق بدیهی ترین حقوق انسانی یعنی حق دریافت دستمزدهای بخور و نمیر کارگران شکل گرفته باشد، نهایتاً پاسخی جز قهر عریان، سرکوب و

دستگیری و شکنجه و زندان دریافت نخواهد کرد. اعتصاب و اعتراض دلاورانه کارگران نیشکر هفت تپه و برخورد رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی با آن بار دیگر این حقیقت مهم مبارزاتی را در شرایط جامعه تحت سلطه ما به نمایش می گذارد که هر گونه خواست و حرکت اعتراضی و بحق طبقات ستمدیده به منظور تحقق خواستهای حتی صنفی شان، بدلیل ماهیت دیکتاتوری حاکم سریعاً از سوی نظام، به مساله ای سیاسی و یا به قول مزدوران حاکم، "امنیتی" تبدیل شده و با زور و سرنیزه با آن برخورد خواهد شد؛ بدون اینکه طبقه ستمدیده و به پاخاسته لزوماً هیچ شعار و خواست سیاسی ای را مطرح کرده باشد. **در صفحه ۲**

برای چندمین بار طی سال جاری، کارگران زحمتکش و محروم نیشکر هفت تپه که از ۲ تا چهار ماه است که حقوق و دیگر مزایای خود را دریافت نکرده اند، برعلیه شرایط دهشتناک کار و معیشت خود دست به اعتراض زدند. آنها با مشاهده عدم رسیدگی مسئولین کارخانه به درخواستهایشان و وعده های ضد و نقیض از سوی آنان، از تاریخ شنبه ۷ مهرماه ۸۶ دست از کار کشیده و اعتصاب گسترده ای را سازمان داده اند.

کارگران نیشکر هفت تپه در طی ۲ سال گذشته بیش از ۱۵ حرکت اعتراضی خرد و کلان سازمان داده اند. یکی از کارگران در اعتصاب اخیر گفت: "هفت ماه است که ما حداقل ۱۰ بار اعتصاب کرده ایم". وی توضیح داد که اما در عمل هر بار مسئولین با وعده هایی کارگران را به سر کارشان بازگردانده اند بدون اینکه به وعده های داده شده عمل کنند.

اینبار نیز کارگران در شرایطی دست به اعتصاب و اعتراضات گسترده می زنند که خود و خانواده هایشان برای تأمین ابتدائی ترین نیازمندیهای روزانه زندگیشان سخت در مضیقه بوده و تحت فشار قرار دارند. در شرایطی که طبقه کارگر ایران، زیر سایه دولت ضد خلقی و وابسته احمدی نژاد تحت یکی از وحشتناکترین هجومهای استثمارگرانه و ظالمانه طبقه حاکم یعنی بورژوازی وابسته به امپریالیسم قرار گرفته است، کارگران اعتصابی بخوبی ماهیت ضد کارگری دولت باصطلاح کارگر دوست احمدی نژاد را درک کرده و می فهمند که برای تغییر شرایط جهنمی خویش جز مبارزه راهی درمقابل آنها وجود ندارد. درست به همین دلیل است که در جریان اعتصاب اخیر، کارگران بپاخاسته، "نظام" و "رئیس جمهور" را به زیر سؤال برده و از زبان یکی از کارگران مبارز ادعان میدارند که نظام ضد خلقی حاکم "... به وضعیت کارگران ایران، کوچکترین توجهی ندارد. کارگران ایران در ذلت زندگی می کنند. ما در مقابل خانواده ها و فرزندان خود شرمند ایم. امروز صبحانه نتوانستیم به کودکان خود بدهیم ... ما دیگر چیزی نداریم که از دست بدهیم. مهم نیست چه اتفاقی بیافتد، ما باید حق خود را بگیریم".

از سوی دیگر کارگران آگاه هفت تپه در پاسخ به فریبکاریهای مسئولین کارخانه که درمقابل درخواست حقوق مشروع خویش، مسئله "کمبود نقدینگی" را پیش کشیده و این را دلیل عمده عدم توانایی اشان برای پرداخت دستمزد کارگران عنوان می کنند، با عنوان کردن ریشه اصلی مشکلات که همانا وابستگی نظام حاکم به امپریالیسم و سودجویی سرمایه داران زالو صفت حاکم می باشد، نشان داده اند که فریب دروغهای مقامهای فریبکار و دزد را نخواهند خورد. یکی دیگر از کارگران در این رابطه تأکید می کند: "پسر فلان آخوند را می گویند که باندازه مصرف ۵ سال مملکت را در انبارهای خود نگهداری می کند و شکر را به مبلغی نزدیک به کیلویی ۳۰۰ تومان به دیگر سرمایه داران می فروشد. خوب این مسلم است که کسی نمی آید از شرکت هفت تپه شکر را کیلویی ۶۰۰ تومان بخرد". در این میان طی فضایی که دولت در طی سالهای اخیر بوجود آورده است یعنی با صدور اجازه ورود صدها هزار تن شکر و فروش آنها به قیمتی ارزانتر از تولید داخلی عامل اصلی رنج و بدبختی و بیکاری و خانه خرابی هزاران تن از کارگران زحمتکشی شده است که در این رشته کار می کنند. در همین رابطه بد نیست اشاره شود که یکی از بزرگترین وارد کنندگان شکر، مصباح یزدی مزدور و افراد خانواده وی می باشند.

در چنین اوضاع و احوالی است که کارگران زحمتکش نیشکر هفت تپه برای چندمین بار متوالی در طی سال جاری برای احقاق حقوق خود به اعتصاب گسترده ای دست زده اند. اما، دیکتاتوری حاکم که تحمل کوچکترین اعتراض توده های تحت ستم و بویژه حرکت متشکل و رزمجویانه کارگران را نداشته و ندارد، در مقابل اعتصابیون و خواستهای برحق آنان مثل همیشه با زبان

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 7946494034

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

